

## ضرورت پلورالیسم تربیتی در کشور

عبداله ریحانی

موضوع تعلیم و تربیت و روشهای آن مقوله ای است که از دیر باز توجه بشر را معطوف خود ساخته و در تمام عصرهای گوناگون زندگانی انسان، از اهمیت والایی برخوردار بوده است. دانش و بینش، بنیاد و اساس هرگونه اصلاح و زمینه پیشرفت هر جامعه ترقی خواه می باشد. تعلیم و تربیت است که می تواند این بینش و دانش را برای جامعه تضمین نموده و رسالت نشر علم، تقویت عقل و تهذیب نفس مردم را بخوبی ادا نماید. با توجه به جایگاه تعلیم و تربیت در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی هر ملتی، دانشمندان و اندیشمندان هر جامعه و ملتی همگام با آنان در این رهگذر کوشیده اند و کتابها و رساله های فراوانی در این زمینه به رشته تحریر در آورده اند و پیوسته کوششهای آنان هنوز در این زمینه ادامه دارد. در دنیای کنونی هدفهای تربیتی با دنیای قدیم دارای امتیازات و تفاوتهای فزاینده است. در اعصار پیشین، یک فیلسوف یا یک مصلح اجتماعی دارای رأی و نظر و ایده ای بود و این رأی خود را درباره هدف تربیت به مردم اظهار می کرد. ولی چون- احیاناً- یک ایده و نظری بود که به خیال پردازی و وهم نزدیکتر بود، هرگز جنبه عمل به خود نمی گرفت و در بوته آرزو فراموش می شد.

آنچه از مطالعه تاریخ جهان متمدن عاید می گردد این است که هدفهای تربیتی یک امر تحقیقی است نه خیالی. این هدفها و به تبع آن روشهای تربیتی در میان ملت‌های مختلف و یا احیاناً در قرنهای مختلف متناسب با الگوهای تربیتی هر جامعه است. از نظرگاه روانشناسان، بیشتر مشکلات اخلاقی و روحی انسانها ریشه در دوران کودکی آنها دارد. پس چه نیک است که با ریزه کاریهای تعلیم کودکان آشنایی داشته باشیم همراه با تحولات عظیم علوم و فنون به نیازهای عاطفی آنها واقف باشیم و همواره بتوانیم راه کارهای جدید و نوینی برای آموزش به آنها ارائه دهیم. چرا که هرگونه خطا در این امر می تواند صدمات جبران ناپذیری در باور و روح کودک ایجاد کند.

دوران کودکی در رشد و پرورش افراد اهمیت به سزایی دارد، تا جایی که برخی از نظریه پردازان روانشناسی معتقدند شخصیت در پنج سال اول زندگی شکل می گیرد. در واقع اساس رشد جسمی، شناختی، عاطفی و اجتماعی افراد در دوران کودکی پایه گذاری می شود. از اینرو توجه به این دوران و سرمایه گذاری در تربیت و پرورش نسل آینده می تواند ضامن سلامت جسم، فکر و اندیشه آنها باشد و این امر میسر نیست مگر از طریق وضع قوانین مناسب و جهت دهی اصولی به سرمایه گذاریهای انجام شده.

حال با توجه به اینکه جامعه ایران از زبان، فرهنگ، دین و مذهب گرفته تا آداب و رسوم و نژاد متنوع و متکثر می باشد. لذا هر سیستم تربیتی برای کارآمد بودن بالاجبار باید وابسته به چنین گستره ای باشد و پلورالیسم تربیتی سرلوحه فعالیت‌های سیستم تربیتی کشور قرار گیرد.

پلورالیسم (تکثرگرایی) که در برابر وحدت گرایی بکار می رود عبارتست از تکثر و تنوع را به رسمیت شناختن و به تباین فرو ناکاستنی و قیاس ناپذیری فرهنگ ها، دین ها، زبانها و تجربه های آدمیان فتوا دادن و از عالم انسانی تصویر یک گلستان پر عطر و رنگ داشتن (۱) و پلورالیسم تربیتی یعنی «اذعان به اینکه بچه ها نیازهای مختلف تربیتی دارند و آنچه مناسب یک بچه است ممکن است مناسب دیگری نباشد و برای عمل به این باید بیشتر از یک رویکرد تربیتی ارائه داد».

هر چند مخالفان پلورالیسم آنرا معارض با وحدت می دانند اما اگر ژرف بنگریم می بینیم که مقدمه و زمینه وحدت حقیقی در جامعه را باید در اذعان و احترام به تفاوت ها و کثرات جستجو کرد. بنابراین وحدت و وفاق ملی زمانی حاصل می شود که ما به دیده احترام و اختیار تفاوت ها و تنوعات موجود را در همه عرصه های مختلف جامعه پذیرا شده و نه تنها باید به تفاوت آدمیان در ابراز عقیده و اندیشه و مذهب احترام گذاشت بلکه باید تامین امنیت حریم آن را حفظ کرد و به حساب آورد .

جامعه چون گلستان رنگارنگ است و شادابی آن بسته به رنگارنگی آن دارد و اگر یک رنگی کردن آن بر مبنای خواست و سلیقه باغبان درست بود باغبان هستی ، خویش به این کار توانا تر بود و آن را انجام میداد. در حالیکه میبینیم در آیه ۱۳ سوره حجرات به صراحت خط بطلانی بر اندیشه انحصار گرایی کشیده چنین می فرمایند

« ای مردم ! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید . همانا گرامی ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست، البته خدا، دانای خبیر است.»

واقعیت این است که در دنیای کثرت گرای امروزی آنچه تنزل و افت وحدت افراد جامعه می شود تفکر یکسان سازی فرهنگها و از میان برداشتن تفاوت ها و تمایزات در عرصه زندگی بشر است نه وجود پذیرش تفاوتها و اختلافات ، حال در جهت تحقق این مهم نظام تربیتی جامعه می تواند مهمترین و محکمترین پایگاه برای نهادینه کردن کثرت گرایی و به تبع آن ایجاد وحدت و وفاق ملی باشد. با توجه به تنوع قومی و ملی جامعه ایران ضرورت دارد که در چنین جامعه ای دانش آموزان به غیر خودی ها عادت کنند و غریبه ها را به عنوان هممنوع و هموطن بشناسد و بپذیرند و حتی باید سبکهای زندگی آداب و رسوم و عقاید دیگران را تجربه کنند تا با یک چنین التزام اخلاقی در جامعه کثرت گرا، از تحمیل و همگن سازی مطلق جلوگیری شود.

این در حالی است که نظام تربیتی ایران بر یکپارچه سازی و همگن سازی گرایش دارد و جامعه و محیط خارج از مدرسه به کثرت و تنوع، این تعارض بین دو محیط تربیتی دانش آموز، ضرورت کثرت گرایی را ایجاب می کند .

بهتر است مسولان تربیتی کشور بر این امر مهم توجه نمایند که بی توجهی قدرتهای حاکم به حقوق ملی اقوام و ملل غیر حاکم همیشه بحرانهایی را در پی داشته تجربیات کشورها بی چون موریتانی، چک اسلواکی، روسیه، سوئیس، کانادا، ... در همین راستا بوده است.

ملتهای جهان بارها تجربه کرده اند که حاکمیت قوم غالب و سرکوب کردن فرهنگ ،زبان و تاریخ و تمدن بقیه اقوام منجر به افزایش و تشدید ناسیونالیسم قومی و نارضایتی های منطقه ای و بحرانها و شورشها و در نهایت در صورت ادامه روند فوق به مطالبه خودمختاری تجزیه طلبی از طرف بقیه قومیتها انجامیده است و باعث ازهم پاشیدن کشورها شده است. برای جلوگیری از چنین برخوردهای خشونت آمیز به رسمیت شناختن حقوق قانونی و بدیهی ملل و اقوام غیر حاکم و تربیت فرزندان این مرز و بوم در جهت برخورد احترام آمیز نسبت به همدیگر و جلوگیری از تنگ نظری فرهنگی و مدنی می باشد که بهترین محفل برای طرح این مسائل محیط آموزشی و سیستم تربیتی کشور است .

از طرفی با توجه به مفهوم تربیت که عبارت است از پرورش کودک در تمام نواحی وجود او و از آنجائیکه جهات وجودی یک کودک متعدد است بنابراین تربیت و پرورش برحسب این جهات،مختلف خواهد بود پس بایستی درسیستم تربیتی کشور تجدیدنظر شده و با اصول و روشهای نوینی که در آن نیازهای خاص و خصوصیات ویژه افراد در نظر گرفته شده است پلورالیسم تربیتی رادر نظام تربیتی رسمی و غیررسمی حاکم نمائیم که درآنصورت دانش آموز وجود تفاوت ها و تنوعات رانه تنها انکار نمی کند بلکه آن را پذیرفته و در وجود خویش چنین نگرشی رانهاده می کند از استلزامات داخلی بوجود پلورالیسم در ایران که بگذریم صحنه بین المللی و حقوق بشر از بیانیه ۱۹۷۸ یونسکو مبنی بر به رسمیت شناختن حق

متفاوت بودن افراد جامعه در همه عرصه ها گرفته تا بیانیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی از حقوق اشخاص بویژه کودکان و زنان حمایت میکند که براساس ماده ۲ این پیمان نامه کشورهای عضو موظفند کودکان را از هر رنگ، نژاد، قوم و مذهب و عقیده ای که باشند، در برابر هرگونه تبعیض حمایت کنند. منع تبعیض به معنای دسترسی برابر همه کودکان به امکانات رفاهی، آموزشی، تفریحی و... بدون توجه به قومیت، جنس، زبان و فرهنگ و حتی منطقه و موقعیت جغرافیایی محل سکونت آنها می باشد. آنچه که باید در نظر داشت این است که سرنوشت کودک جدای از قوم و منطقه و زبان و فرهنگی که به آن تعلق دارد نیست. اگر در صدد رفع تبعیض بین کودکان هستیم، باید توجه به این امر را از سطح کلان آغاز کنیم، که در این مورد لازم است :

اولاً کودکان اقلیتهای قومی و مذهبی از امکانات برابر اقتصادی - اجتماعی در بستر فرهنگی خود برخوردار باشند، ثانیاً حق برخورداری از فرهنگ و تکلم به زبان خود که در گرو ایجاد زمینه آشنایی با فرهنگ و دریافت آموزشهای لازم می باشد را داشته باشند که در این زمینه آموزش زبان مادری توجه خاصی را می طلبد، سوم آنکه در زمینه آشنایی با فرهنگ، آداب و رسوم و زبان خود باید منابع مختلفی در زمینه تاریخ، ادبیات، فرهنگ و فولکلور و... در اختیار کودک قرار داشته باشد. این امر غنای کتابخانه های ملی و کتابخانه های مدارس و انتشار کتابها با موضوعات مختلف به زبان مادری و در عین حال ساده و کودکانه را می طلبد.

و همینطور تنوع و تکثر رسانه های ارتباطی همه و همه ما را به پذیرش کثرت گرایی فراخوانده است که صد البته برای حضور فعال و پایدار در همه عرصه های زندگی بشری چاره ای جز پذیرش آن نیست. چرا که مسئله تنوع قومیتها و ملیتها و نیازها و مطالبات آنها واقعیتی است که نمی توان از آن چشم پوشید. و اصولاً نگاهی مبتنی بر حذف و استحاله دیگران، جایگاهی در عصر امروزی ندارد. تحمیل فرهنگ قومی خاص، از بین بردن تفاوتها و آسیمولاسیون فرهنگی، حقیر شمردن حقوق اساسی دیگر قومیتها و عدم توجه به آنها، با اصل برابری حقوق بشر منافات دارد و صاحبان حق، تبعیض، نابرابری و بی عدالتی را برای همیشه تحمل نکرده و ضمن مقایسه حال و وضع خویش با دیگران، حقوق خود را مطالبه می کنند. پس تا دیر نشده و فرصتها به تهدیدات تبدیل نگشته، بایستی در مقابل خواسته های بحق و قانونی اقوام و ملل ایرانی تمکین بنمائیم که پذیرش پلورالیسم تربیتی اولین گام در این راه می باشد.

با اذعان به سیال و متفاوت بودن فهم آدمیان از حقایق، لاجرم کثرت رویکردها حاصل میشود و نتیجه اخلاقی و عقلی آن احترام به فهم متقابل خواهد بود. در غیر اینصورت با شکل گیری اخلاق انحصار گرایانه و خودمدار در جامعه روبرو خواهیم شد که خطرات آن بر اکثریت بانیان امر واضح و آشکار است.

به نظر میرسد که مقوله کثرت گرایی و به خصوص پلورالیسم تربیتی در کشور نا آشنا و صد البته ضروری است و در صورت فراهم آوردن لوازم آن از قبیل مدارا، فرهنگ گفتگو، نهادینه شدن آزادی، مردم سالاری حقیقی در مناسبات بین حاکمیت و مردم در زندگی اجتماعی می تواند پیامدهای مثبتی چون وحدت و وفاق ملی، رشد فرهنگ و اندیشه ها و غلبه بر خشونت گرایی به بار آورد. اما نظام تربیتی کشور تا رسیدن به این مهم و تئوریزه کردن و تجویز آن در ساختار و محتوای خود فاصلهای زیادی دارد. از این رو ضرورت دارد با توجه به شرایط داخلی و نظام جهانی مسئولان امر پلورالیسم تربیتی را سرلوحه نظام تربیتی قرار دهند و علاوه بر بررسی، نقد و به چالش کشاندن آن در حوزه مفاهیم دنیای امروز به تأسیس مرکز پلورالیسم تربیتی ایران بپردازند. با امید به اینکه بتوانیم قدم به قدم در راه آموزش مفید و مؤثر کودکان پیش برویم و به آنها درس انسانیت و آزادگی بیاموزیم.

### منابع:

- ۱- صراط های مستقیم، دکتر سروش
- ۲- روزنامه مردم سالاری- ۲۷ خرداد ۱۳۸۲
- ۳- ویژه نامه آبتام «صمد بهرنگی و اوشاق ادبیاتی»
- ۴- تعلیم و تربیت در اسلام